

نسبیم زندگی

چه کنیم تا ریشه ربا در جامعه قطع شود؟

دادوستدی ویرانگر در شرایط بیچارگی

- حسین سرقوات***

در جهان امروز سبک زندگی (Lifestyle) بسیار مهم شمرده می‌شود؛ مجموعه‌ای از منش‌های ذاتی ما و همچنین روش‌هایی که برای ادامه حیات برگزیده‌ایم؛ بحث سبک زندگی در بسیاری از سخنان رهبر فرزانه و از جمله بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. ایشان در مهر ۱۳۹۱در

- یک مثال از تن دادن به ربا**

مفروض این پرسش آن است‌که پدیده «ربا» به مثابه درختی شوم تلقی شده که به جهت آثار مخرب آن بایداز بیخ و بن قطع شود تا جامعه‌اطمینان یابد که از این شجره خبیثه آسیبی نخواهد دید؛در آغاز برای تعریف ساده ربااز مثالی کمک بگیریم. فرض کنید خنای ناکرده همسر شما بیمار شده و تشخیص پزشک مربوطه آن است که بدون فوت وقت عمل شود. دست شما خالی است و پولی که با آن بتوانید از عهده‌مخارج عمل جراحی همسرتان برآیید، اگر چنین شرایطی فراهم نباشد، چه‌ممکن است دوستی سر راه شما قرار گرفته، پیشنهاد کند که کل مخارج عمل جراحی را تأمین کند، به شرط آنکه آن ربا‌فان مبلغ بهره به وی برگردانید… این پول می‌توانست قرض باشد و در بهترین لحظه به کمک شما بیاید، اما نام بهره آن را تبدیل به متاعی ربوی می‌کند که داد و ستد آن حرام است و به شدت باید از آن برهیز گردایم؛ببیند که مرز داد و ستد شرعی با ربا چقدر باریک است؟ قبول دارید که خیلی مرد

سند ویران‌کننده‌ای دست نزنند؟

- چرا ربا در اسلام حرام شمرده شده است؟**

علت اصلی تحریم ربا تباه شدن مال و ثروتی است که باید چرخه‌های اقتصادی جامعه را به حرکت درآورد، به تولید و بهره‌وری کمک کند. چرا خداوند دستور داده که اموال دیوانه و سفیه تا وقتی گرفتار جنون و ندانم کاری‌اند، در اختیار آنان قرار نگیرد؟ چون آنان بی توجه به عواقب کار خویش، اموال خود را از بین می‌برند. ربا نیز دقیقاً چنین است. رباخوار پول خود را در خدمت تکثیر پول بیشتر قرار می‌دهد. رباگیرنده به مثابه قماربازی بداقبال دارایی خود را در این قمار شوم می‌بازد و مال ربوی نیز در نتیجه دست به دست شدن‌های مکرر از ارزش افتاده، رو به

سبک‌رفتار

- زهراسرو**

مدگرایی از مضللات دوران کنوتی به ویژه در کشورهای در حال توسعه همچون کشور ماست. گروهی بیش از سایر گروه‌ها از خود علاقه به مد نشان می‌دهند و مدام در تلاش هستند تا به قول خودشان تمام زندگی‌شان را به روز کنند.

اینکه می‌گویم تمام زندگی‌شان، به این خاطر است که شاهد تبعیت و پیروی تمام و کمال برخی از نوجوانان و جوانان و نسل سومی‌های کشور-مان از مد هستیم. گاهی اوقات همه ما تمایل داریم از دیگران تقلید کنیم. از نحوه پوشش گرفته تا نوع گفتار روز-مره، مجاوره، سبک زندگی و معاشرت اجتماعی و حتی طرز راه رفتن. از طرفی هم دوست داریم نسبت به دیگران متفاوت باشیم. در اصل مد همین تأثیر دو نیروی متضاد در درون انسان‌هاست.

گاهی نیز مد گرایی به مدیرستی تبدیل می‌شود و این مورد مربوط به مقتضیات سن، شور و حال جوانی مدیرپرستان است. ما افراد و جوانانی می‌بینیم که به شدت نیاز به دیده شدن دارند و اینکه دیگران به آنها توجه کنند؛ در این حالت عمده وقت، هزینه و تفکر جوان ما صرف این موضوع می‌شود.

در اصل فردی که کاملاً از مد پیروی می‌کند تصور می‌کند در محیط زندگی و کاری خود از دیگران متمایز است، اما نکته مهم این است که رده اجتماعی حقیقی او با تمامی ابعاد زندگی اجتماعی‌اش تعیین می‌شود نه صرفاً در مد.

این مسئله را خود فرد می‌داند و به همین دلیل مدام در تلاش است که خود را نشان دهد، اما نحوه مطرح

زوال می‌رود.

- تفاوت ربا و صدقات چیست؟**

قرآن به صراحت می‌فرماید که خداوند از ربا کاسته، به صدقات می‌افزاید. صدقات بارش و نمو خود جلب محبت می‌کند. امنیت اقتصادی و روانی ایجاد می‌کند. دل‌ها را از کینه و نفرت باز می‌دارد. اموال قانونی و شرعی مردم را دوچندان نموده، به عدالت اجتماعی می‌انجامد. همچنین جلوی اختلاس و احتکار و سر‌امی‌گیرد، اما ربا مانع کار خیر گردیده، سود مادی را در صدر می‌نشانند. به کاهش و زوال اموال عمومی می‌انجامد. قلب را سخت می‌کند و کینه و دشمنی را رواج می‌دهد. همچنین به جهت خسارت‌های وارده، انسان‌ها را به انتقام‌گیری تشویق کرده، و تفرقه و اختلاف را گسترش می‌دهد. شخصی از امام صادق (ع) پرسید چرا برخلاف آیه قرآن که از کاهش اموال ربا خوار حکایت می‌کند، ثروت آنان روز به روز بیشتر می‌شود؟ حضرت فرمودند (بر فرض عدم توبه) یک درهم ربا تمام دین انسان را نابود می‌کند و (بر فرض توبه نیز) باید ربا خوار صاحبان اموال را پیدا کند و اموال آنان را بازگرداند. آیا زبانی از این بالاتر در مخیله انسان می‌گنجد؟

- طرح‌هایی برای ریشه کنی ربا**

اکنون پس از طرح این مقدمات می‌توان به این موضوع مهم پرداخت که برای ریشه کنی ربا چه باید کرد؟ **اصلاح سیستم اقتصادی بانک‌ها:** در اینکه سیستم اقتصادی بانک‌ها معیوب است، تردیدی نیست و دلیل آن ورشکستگی یا ناکارآمدی بسیاری از بانک‌های دولتی و خصوصی است. آیا بانک‌ها و مؤسسات پولی و اعتباری از ربا به دور بوده، چنین معاملاتی در آنها انجام نمی‌شود؟ پاسخ قاطعی به این پرسش نمی‌توان داد. حاکمیت لازم است در باره رفع این معضل تلاش کند، اما فتوای از رهبر معظم انقلاب وجود دارد که مسئولیت را حداقل از دوش مردم برداشته است: «معاملات بانکی که بانک‌ها براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای محترم نگهبان انجام می‌دهند، اشکال ندارد و محکوم به

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱



داد

علت اصلی تحریم ربا تباه شدن مال و ثروتی است که باید چرخ‌های اقتصادی جامعه را به حرکت در آورده، به تولید و بهره‌وری کمک کند. چرا خداوند دستور داده که اموال دیوانه و سفیه تا وقتی گرفتار جنون و ندانم کاری‌اند، در اختیار آنان قرار نگیرد؟ چون آنان بی توجه به عواقب کار خویش، اموال خود را از بین می‌برند. ربا نیز دقیقاً چنین است. رباخوار پول خود را در خدمت تکثیر پول بیشتر قرار می‌دهد. رباگیرنده به مثابه قماربازی بداقبال دارایی خود را در این قمار شوم می‌بازد

زوال می‌رود.

قرآن به صراحت می‌فرماید که خداوند از ربا کاسته، به صدقات می‌افزاید. صدقات بارش و نمو خود جلب محبت می‌کند. امنیت اقتصادی و روانی ایجاد می‌کند. دل‌ها را از کینه و نفرت باز می‌دارد. اموال قانونی و شرعی مردم را دوچندان نموده، به عدالت اجتماعی می‌انجامد. همچنین جلوی اختلاس و احتکار و سر‌امی‌گیرد، اما ربا مانع کار خیر گردیده، سود مادی را در صدر می‌نشانند. به کاهش و زوال اموال عمومی می‌انجامد. قلب را سخت می‌کند و کینه و دشمنی را رواج می‌دهد. همچنین به جهت خسارت‌های وارده، انسان‌ها را به انتقام‌گیری تشویق کرده، و تفرقه و اختلاف را گسترش می‌دهد. شخصی از امام صادق (ع) پرسید چرا برخلاف آیه قرآن که از کاهش اموال ربا خوار حکایت می‌کند، ثروت آنان روز به روز بیشتر می‌شود؟ حضرت فرمودند (بر فرض عدم توبه) یک درهم ربا تمام دین انسان را نابود می‌کند و (بر فرض توبه نیز) باید ربا خوار صاحبان اموال را پیدا کند و اموال آنان را بازگرداند. آیا زبانی از این بالاتر در مخیله انسان می‌گنجد؟

جمع پرشور جوانان خراسان شمالی سوالات مهمی را در این خصوص مطرح نموده و آسیب‌شناسی آنها را خواستار شدند. در پاسخ به این مطالبه اساسی هر هفته یکی از این سوالات را مطرح کرده و به بررسی پاسخ خواهیم پرداخت. تا کنون طی هفت هفته به هفت پرسش پاسخ داده‌ایم و در صفحه امروز به هشتمین سؤال می‌پردازیم. پرسش این است: چه کنیم که ریشه‌ربا در جامعه قطع شود؟

زوال می‌رود.

صحت است. «بله؛ برخی از مراجع ورود در معاملات ربوی بانک‌ها را جایز نمی‌دانند، اما مبنای شرعی فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها دیدگاه‌های مقام معظم رهبری است. **کاهش مصرف گرایی:** امروزه بخشی از تبلیغات رسانه‌ها شامل کالا‌های است که مردم نیاز چندانی به آنها ندارند. از این رو خرید بسیاری از اقسار جامعه بر اساس امیال و نه نیازها صورت می‌گیرد. سبک زندگی مینیمال بر پایه بی‌درمان است.

کوتاه کردن دست‌لال‌ها: داد و ستد شیوه مرسوم کسب منفعت از راه تلاش و فعالیت است. امری که به تحرک و پویایی اقتصاد منجر شده، فاصله میان ثروتمند و تهیدست را کمتر می‌کند. بر خلاف ربا که سود تضمین شده بدون ضرر و زیان است. ربا سیستم‌های اقتصادی جامعه را معیوب ساخته، تمایل به فعالیت‌های تولیدی را کاهش می‌دهد. اصلاح مدیریت اقتصادی جامعه که مستلزم حذف فرآیند دلالتی است، اثباتش سرمایه و مفت خوری را به حداقل کاهش می‌دهد.

کاهش فقر و ننداری: اگر افراد جامعه از حداقل رفاه برخوردار بوده، برای تأمین مایحتاج ضروری زندگی نیازمند زوال صفات ربا خوار نباشند، پس اندک آگاهی ربا و آثار مخرب آن، هر گز به این مفسده رو نیاورد، عیان زندگی خود را به دست مشتی سودجوی از خدا نمی‌خبر نمی‌دهند. سود حاصل از ربا سرمایه را به جریان نمی‌اندازد، به رکود ثروت دامن زده، فقر و نداری را توسعه می‌دهد. از این رو وظیفه ذاتی دولت‌ها تأمین این حداقل رفاه و زوددن چهره فقر از جامعه انسانی است. **حفظ ارزش پول ملی:** یکی از اتفاقات شکننده اقتصادی که کمر اقسار ضعیف جامعه را شکسته، ستون فقرات آنان را خرد می‌کند، کاهش ارزش پول ملی و در نتیجه کاهش قدرت خرید مردم است.

در این میان لاجرم بحث مقایسه پول ملی با ارز خارجی نیز مطرح شده و تفکیدی این دو از یکدیگر را غیر قابل تصور

داد

وقتی جریان مد بیه راه می‌افتد عده زیادی از انسان‌ها مانند هم عمل می‌کنند. یعنی دیگر تنوع عقاید و سلاقی از بین می‌رود. این کار در اصل به نوعی یک توهین و اهانت تلقی می‌شود؛ چراکه به فرد این گونه القا می‌شود که «تو نمی‌توانی سلیقه خودت را اعمال کنی و این ما هستیم که برایت تصمیم می‌گیریم.» به این ترتیب عزت نفس او خدشه‌دار می‌شود. این مهم در شأن یک انسان کمال یافته نیست. وقتی خداوند او را مختار و موجودی انتخاب‌گر آفریده است

خداوند او را مختار و موجودی انتخاب‌گر آفریده است. بنابراین بهتر است افراد از طریق مطالعه و تفکر باعث ارتقای شخصیت و عزت نفس‌شان شوند و دست از تقلید و پیروی کور کرانه از مدهای عجیب و غریب بردارند. حتی در صورتی که مبد اصلاً تناسبی با روحیه و وضعیت‌شان ندارد. آن را اصلاً نپذیرند.

این کار احساس غرور، شعف و عزت نفس زیبایی را به فرد می‌دهد. یادتان باشد از اینکه شما مد را تحت کنترل خود دارید نه مد شما، ربا بسیار خرسند خواهید شد. وقتی این مهارت را کسب کرده و به آن عمل می‌کنید اعتماد به نفس تان بالا می‌رود. همه اینها در حالی است که متأسفانه بسیاری از جوانان مدگرایی را نوعی استفاده از آزادی می‌پندازند.

بی‌تردید بسیاری کارها اگر با مشارکت انجام شوند، اثربخشی آنها چندین برابر کاری است که به‌صورت فردی انجام می‌شود، اما گاهی در یک فعالیت جمعی نگرانی از پذیرفتن مسئولیت، فقدان روحیه همکاری یا واگرا بودن افراد گروه عده‌ای را به کار فردی سوق می‌دهد. گاهی توانایی و استعداد یک فرد کمتر از گروهی است که با آنها همکاری می‌کند و خود را کنار می‌کشد. پس وقتی شخصی توانایی کمتری در خود احساس می‌کند و قادر به رقابت با بقیه گروه نیست، سعی می‌کند برای جبران این خلأ فردی به نوعی گوشه‌گیر شده یا حتی مانع از حرکت صورت سرسام‌آور بالا رفته، قدرت خرید مردم فرمی‌یزد! آیا سخن گفتن از ریشه کنی ربا بدون اشاره به این امر مهم ممکن است؟

آگاه‌سازی جامعه از مفاسد ربا: تبلیلی و تن پروری، بی‌عدالتی، گسترش فاصله طبقاتی، تمرکز ثروت در دست افراد معدود و محرومیت سایر افراد اجتماع از آثار زیانبار رباخواری است. رباخوار بدون انجام کار مولد به درآمدی سرشار دست یافته، سود حاصل از تلاش دیگران را به جیب می‌داند، انگیزه کار را در جامعه کاهش دلد، فساد او به کاهش سرمایه انسانی، درآمد ملی و سطح پسن انداز افراد جامعه می‌انجامد. آگاه‌سازی افراد جامعه از این مفاسد جزو مهم‌ترین اقدامات متصدیان امر است.

اعمال مجازات‌های قانونی: ربا خوار به جنگ با خدا و پیامبر برخاسته و عذاب الهی در انتظار اوست؛ جز این آیا قانونگذار برای ربا مجازاتی در نظر نگرفته است؟ به موجب ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی مردم تکبیرین ربا اعم از زیادنده، ربا تراژنده و واسطه بین آنها علاوه بر د اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند. اما قانون و الزامات قانونی نیز حرف است، عمل به قانون و نظارت بر حسن انجام آن حرف دیگر! معاملات ربوی اغلب مخفیانه انجام می‌شود، همچنین دست مردم خالی است و گاه چسارهای جز معاملات ربوی ندارند، به علاوه وورد به چنین مباحثی دست کردن در نظر نیست. اما در این دلایل سخت‌گیری لازم در معاملات ربوی صورت نمی‌گیرد و عملاً قانون نادیده‌انگاشته می‌شود.

- عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی**

سبک تعامل



چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است؟

از همه جلو بزن تا موفق شوی!

- محمدرضا سهیلی‌فر**

به گمانم کمتر کسی پیدا می‌شود این سخن را رد کند که ایرانی‌ها با وجود استعداد و پشتکار نسبتاً خوب‌شان لیکن در کار تیمی قوی عمل نمی‌کنند. این نقطه قابل بهبود عمدتاً به دو دلیل عمده ضعف مدیریتی و خصوصیات اخلاقی برمی‌گردد. البته برخی خرگه‌های اجتماعی هم خلاف این موضوع را ثابت کرده‌اند. مثال بارز آن، گروه‌های جهادی متشکل از جوانان انقلابی هستند که در پروژه‌های عمرانی یا هنگام بروز بلاهای طبیعی به‌صورت خودجوش و جمعی عملکرد عالی از خود نشان می‌دهند. به راستی چرا برخی مردم تمایل دارند انفرادی عمل کنند و روحیه فردگرایی آنها بر روحیه جمع‌گرایی غلبه دارد؟ شاید از مورد نقد قرار گرفتن می‌ترسیم که به‌فعالیت گروهی نمی‌تنیم. شاید هم به‌ما آموخته باشند که: «باید به تنهایی موفق شوی و از همه جلو بزنی تا جایزه بگیری و پیشرفت کنی!»

آغاز شود. وقتی این ضرورت در سایر کشورها مهم تلقی می‌شود، باید در ایران هم برای مسئولیت‌های جمعی و فعالیت‌های گروهی الگوسازی و برنامه آموزشی تدوین کرد. برای بزرگسالان هم باید دوره‌هایی اختصاص دهیم چون هنوز نیروی کار فعال بوده و می‌توانند نسل بعدی را پرورش دهند. شواهد نشان می‌دهد برخی خلیقات منفی بزرگسالان هم موجب تضعیف روحیه کار جمعی در کشور ما می‌شود؛ عدم اعتماد به یکدیگر، حسادت، خودخواهی، عدم اعتقادپذیری، فقدان روحیه بردباری، فقدان روحیه نرمش و مدارا، عدم رعایت احترام متقابل، خودرایی، برهیز از مشورت و در آخر بی‌نظمی و عدم رعایت انضباط فردی از خصوصیات است که می‌توان در این زمینه مثال زد. یک مثال ملموس از کار جمعی پروژه‌ها و نحوه مدیریت آنهاست. در بخش‌های متعدد یک پروژه نیروها تخصص‌های مختلفی مورد نیاز است. پس از تشخیص و تعریف محج کار و شرح وظائف، افراد متخصص انتخاب می‌شوند. مدیریت پروژه بعدمه کسی قرار می‌گیرد که در بین افراد گروه بهترین تسلط را بر موضوع داشته باشد و همچنین دارای توانایی تعریف هدف، ارائه راه‌های رسیدن به آن، در صورت لزوم اصلاح یا بهبود مسیر رسیدن به هدف مربوطه و در نهایت مدیریت نقاط بحرانی باشد. مدیر پروژه به عنوان الگویی در مقوله و مفهوم کار جمعی، باید بتواند برای افراد متخصص تقسیم کار کند و تمامی افراد را همگرا کرده و آنها را در مسیر ترسیم شده حرکت دهد. چنانچه این چنین مدیریتی و هارمونی گروهی بیه هم بخورد یا شخصی مسئولیت انجام بخشی از کار با مدیریت پروژه را بر عهده بگیرد که فاقد شایستگی‌های مورد نظر است، پروژه به سرانجام نخواهد رسید و هر چه کار کار انجام‌پذیر خواهد بود، بنابراین مدیر یک مجموعه است که چیدمان مطلوب کار جمعی برای رسیدن به نتیجه و اهداف دیگر در پس برده را تعیین می‌کند. عارضه فرهنگی دیگری که گاهی حتی در کارهای گروهی منظم و منسجم نیز پیدا می‌شود، حضور افرادی است که به نیت دستپایی به نتایج دیگری در گروه عضو می‌شوند. این دیگر به عهده مسئول و مدیر هوشمند و آگاه گروه است که از شیوع این بی‌نظمی جلوگیری کند و بتواند کار گروهی را به نتیجه مطلوب برساند. در علم مدیریت و علم استراتژی استفاده درست از منابع انسانی شاخه‌های تخصصی را شکل می‌دهد. به راستی چند درصد مدیران انتصابی کشور بر این علوم اشراف دارند؟ باز به خودمان برگردیم. فرض کنید یک رسانه جمعی به‌مثابه عامل پرورش و شکوفایی خلایق در پروژه‌های دانش‌آموزی و مشابه آن، نشان‌دهنده آن است که چند نفر به صورت مشترک و طی یک همکاری خلاقه و اثربخشی می‌توانند گام‌های بزرگی بردارند و بدرخشند. به نظر برخی کارشناسان، کلید اصلی «فرهنگسازی» کار جمعی در نظام آموزشی نفته است و از زمان کودکی و نوجوانی باید چشم دیدن پیشرفت و موفقیت بقیه را ندادند. عهده‌گیرنده، در حالی که می‌دانند افراد قوی‌تر از آنها حضور دارد اما نامی خواهند نفر دوم باشند؟ آیا در چنین آتمسفری و با حس عدم اعتماد به هم امکان کار گروهی محدود نمی‌شود؟ بنابراین، تردیدی به‌جائ نمی‌ماند که ایرانیان از کودکی نیاز به مدارا و درک بیشتر از هم خواهند داشت، به بیانی دیگر، افراد باید به سطحی از رشد شناختی و عاطفی برسند تا بتوانند خود را به جای دیگران قرار داده و از دیدگاه سایرین به یک موضوع نگاه کنند

داد

«فرهنگسازی» سنگ بنای کار جمعی است. وقتی گروهی قصد انجام کار معینی را دارند، باید کنار هم و با هم کار کنند و در این صورت نیاز به مدارا و درک بیشتری از هم خواهند داشت، به بیانی دیگر، افراد باید به سطحی از رشد شناختی و عاطفی برسند تا بتوانند خود را به جای دیگران قرار داده و از دیدگاه سایرین به یک موضوع نگاه کنند